

ترس اطفال

مربی و آموزگار در اثنای کار خود با مشکلات و موانع زیادی مواجه میشوند، ترسهای کودکان از جمله موانعی است که غالباً کوشش و رنج مربیان را بیهوده میسازد. اکنون نسبت به تربیت اطفال ضعیف و کم هوش طریق مخصوصی را پیش میگیرند و اینقبیل اطفال را در ردیف سایرین نمیشمارند، اطفال ترسو نیز نمی توانند همدوش دیگران پیش بروند و محتاج به مراقبت های مخصوصی هستند. برای آنکه تربیت و تعلیم بتواند آثارخویش را در روح اطفال نفوذ دهد باید این صفت را که یکی از امراض روحی است علاج کرد. سابقاً تصور میکردند ترس يك خاصیت فطری است که کم و بیش در تمام اطفال وجود دارد، و این عقیده هنوز هم مورد توجه است و عده زیادی از روانشناسان طرفدار آن هستند بعقیده این اشخاص، ترس با غرائز اصلی ارتباط دارد و غالب اطفال، قبل از آنکه باحوادث و اشیا مربوط شوند از ترس بی نصیب نیستند. تمام اطفال در موقع ولادت، از ظلمت و صداهای هولناك و آتش و طوفان و امثال آن می ترسند، بعلاوه حیوانات نیز فطرتاً ترسو هستند. تمام حیوانات از همان آغاز تولد از دشمنان خود میترسند و همینکه یکی از آنها را به بینند فرار میکنند بنا بر این ترس يك صفت فطری است و علاج آن بسیار مشکل است.

امامطالعانی که جدیداً در روحيات و خصایص اطفال حمل آمده این ملاحظاتی را رد میکند، در اثنای تربیت حیوانات بخوبی روشن شده که ترس آنها از دشمنان خود فطری و طبیعی نیست، بلکه نتیجه تجربیاتی است که از آغاز تولد فرا می گیرند، راجع باطفال نیز نمی توان گفت ترس آنها فطری است، طفل در آغاز تولد از هیچ چیز نمی ترسد، بتدریج همینکه شعله شعور و ادراك در مغز او درخشیدن گرفت و باحوادث و اشیا مربوط شد حس ترس در او پدید می آید، اگر در این باب توجهی نشود ترس در روح او نفوذ می نماید و بعد ها در تمام دوره زندگانی از او جدا نمی شود.

اطفال ترسو دارای فکری مشوش و مضطرب هستند، هیچوقت آرام نمی شوند و طبعا نمی توانند با دقت کافی بدرس آموزگار توجه کنند باینمناسبت غالباً از همقطاران خود عقب می مانند، هوش و فکر آنها در نتیجه ترس و اضطراب فاج می شود و در نظر آموزگار ابله و کند ذهن جلوه میکنند.

ترس اطفال بیشتر نتیجه تربیت خانوادگی است، مادران غافل برای آنکه اطفال را از سر خود باز کنند آن ها را با موجودات وهمی و خیالی آشنای سازند. کلمات «لولو» و «دیو دوسر» و «جن شاخدار» کم و بیش در تمام زبان ها معمول است؛ صور وهمی و خیالی که علت اصلی ترس های کودکان است در همه جا بوسیله مادران ایجاد می شود و برای آنکه کاملاً این صور خطرناک در روح اطفال نقش ببندد، دم بدم اسم آنها تکرار میکنند.

هر کلمه ای که اطفال از والدین خود می شنوند، مانند وحی آسمانی است کلمات و عباراتی که پدران و مادران بدون قصد ادا می کنند در روح اطفال رسوخ مینماید و بزودی آنها را مغلوب میسازد، به همین جهت عده اطفال ترسو بمراتب بیشتر از اطفال شجاع است.

بعضی اطفال ترسهای مخصوصی دارند، مثلاً طفل را می بینیم که از گربه می ترسد، طفل دیگری از شعله آتش میگریزد، غالباً منشاء این قبیل ترسها مجهول است و خود طفل هم از آن خبر ندارد، باید علت آنرا در زندگی گذشته اطفال جستجو کرد غالب اینست که گربه یا آتش و سایر چیزهایی که برای طفل هول انگیز است بر حسب تصادف با حوادث و اشیاء هول انگیزی مقرون بوده است اما طفل نتوانسته خصوصیات قضیه را بخاطر بسپارد و فقط یک قسمت آنرا در حافظه خود ضبط کرده و همیشه از آن می ترسد، این قبیل ترسها را بوسیله تحلیل روحی علاج میکنند، تحلیل روحی یعنی تجزیه خاطرات و افکار طفل برای کشف قسمتهای مجهول،

مثلاً طفلی که در شب تاریک گربه ای او را چنک زده، اگر چه بعدها این قضیه را فراموش کرده ولی همیشه از گربه میترسد، اگر مری هوشیار متوجه

این قضیه باشد و حادثه را بیاد طفل بیاورد و باو تلقین کند که تمام گربه‌ها شرور نیستند، خیلی زود ترس ارفع میشود.

یکی از چیزهایی که غالب اطفال از آن میترسند، تاریکی است غالب اطفال هنگام شب از دخول باطاق تاریک احتراز میکنند و بعضی ها از اینکه بالاتر میروند شبها در محل تاریک خوابشان نمیبورد بلکه باید چراغ بالای سر آنها روشن باشد . .

ایتمبیل ترسها غالباً در اطفال ناز پروده دیده میشود که میل ندارند حتی در موقع شب از پدر و مادر خود دور باشند، این نکته را باید متوجه باشیم که غالب اطفال در مخیله خود تاریکی را بمنزله يك دنیای وسیع پراز صور وهمی و هول انگیز تصور میکنند، برای علاج این قبیل ترسها باید بتدریج اطفال را بتاریکی عادت داد. در روزهای اول کافی است که مرئی همراه آنها بنقاط تاریک برود و کوشش کند که ترس از تاریکی را از خاطرشان محو نماید، روزهای بعد ممکن است بازیچه‌های قشنگ و چیزهایی که مورد علاقه طفل است در تاریکی گذاشت و به او گفت: برو بازیچه‌ها را بردار. باین طریق بتدریج میتوان ترس از تاریکی را معدوم ساخت.

بعضی اطفال از حیوانات میترسند، این ترس بهیچوجه طبیعی نیست بلکه طفل بتقلید دیگران از حیوانات میترسند، غالباً دیده میشود که مادرها حیوانی را برای ترساندن اطفال بکار میبرند، بتدریج این ترس وسعت مییابد و شامل تمام حیوانات میشود باید این ترس را هرچه زودتر علاج کرد، زیرا وقتی طفل بزرگ شد علاج آن مشکل می شود

برای این منظور باید از حیوانات کوچک و بی آزار مثل گنجشک و کبوتر و امثال آنها شروع کرد، طفل همینکه کبوتر را دید خود را عقب میکشد در اینوقت مادر هوشیار باید بگوید: «به ا به ا چه حیوان قشنگی است.» بدین طریق طفل را تحریر میکنند که کبوتر دست بزند و آنرا در بغل بگیرد، بعدها ممکن است بتدریج طفل را با حیوانات دیگر مانوس ساخت.

بطور خلاصه برای علاج ترس باید اول منشاء آنرا پیدا کرد ، وقتی علت مرض کشف شد علاج آن چندان مشکل نیست تلقین برای علاج ترس خیلی مؤثر است و تاثیر آن در روح اطفال بمراتب بیشتر از بزرگهاست .

بدرومادری که به آینده فرزندان خود علاقمند هستند باید بکوشند تا عوامل ترس را از گذرگاه آنها دور سازند و اگر هم در این باب مرتکب غفلتی شده اند باید خیلی زود غفلت خود را جبران کنند و حس ترس را از خاطر اطفال خویش محو نمایند .

برای سعادت و موفقیت طفل هیچ چیز خطرناک تر از ترس نیست .
پس باید بکوشیم تا این مرض خطرناک را علاج کنیم .

اقتباس از مجله «L' education enfantine»

مدارس ترکیه

بموجب آثاریکه در یکی از جراید ترکیه درج شده است در آن کشور ۶۲۶۹۵۹ باب دبستان وجود دارد که ۴۳۴۳ باب دبستان ۳ کلاسی و ۱۶۹ باب چهار کلاسه و ۱۴۲۳ باب پنج کلاسی است .

عده آموزگاران این دبستانها ۱۳۶۲۷ تن است که ۶۸۵۲ تن در شهرها و ۶۷۸۶ تن در دهات مشغول تدریس هستند .

عده شاگردان دبستانها ۵۶۷۰۰۰ تن است شاگردان دبستانهای اقلیت و خارجی بحساب نیامده است .